MEJDS. 2020; 10:116.

Published online 2020 Aug. **Research Article**

The Effects of Child-Parent Interaction-Based Play on Anger, Anxiety, and Cognitive Emotion Regulation in Aggressive Students

Hejrani Diarjan H[1], *Shahriari Ahmadi M[1], Esteki M[1], Sepahmansour M[1], Salehi M[1]

Author Address
1. Department of Exceptional Children and General Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.
***Corresponding Author's Email:** mansure_shahriari@yahoo.com

Received: 2020 January 7; **Accepted:** 2020 April 8

Abstract

Background & Objectives: Aggression is a major problem in the education of children and it has become very difficult to control. Additionally, aggressive students present high anxiety levels. Anxiety in these students creates unhappiness and could cause concerns. Furthermore, the lack of emotional adjustment threatens aggressive students' self-esteem. Cognitive emotion regulation could affect emotional-driven processes, cognitive processing procedures, as well as emotional and cognitive development. Playing is essential in therapy. The emotional relationship between parent and child is critical in the play process. Besides, with play, parents could even provide therapeutic advantages for their children. The present research aimed to explore the effects of the application of play based on child-parent interaction on anger and anxiety in aggressive students.

Methods: This was a quasi-experimental study with a pretest-posttest and a control group design. The study sample consisted of 32 aggressive students (n=16 per experimental & control groups). They aged from 9 to 13 years and were students of third to seventh grade in the elementary schools of Tehran City, Iran, in the academic year of 2018-2019. The study participants were requested to complete the Children's Inventory of Anger (ChIA) (Nelson & Finch, 2000), the Spence Children's Anxiety Scale (SCAS) (1998), and the Cognitive Emotion Regulation Questionnaire (CERQ; Garnefski et al., 2001). Parent-Child interaction-based game ssessions were provided based on the Ccorresponding Practical Guide (Bratton & Landreth, 2005). In total, 12 sessions of 90 minutes were held for the experimental group. The obtained data were analyzed by SPSS using multivariate analysis of covariance (MANCOVA) and one-way analysis of covariance (ANCOVA). The significance level was set at 0.05.

Results: The present research results suggested that employing parent-child interaction-based play reduced anger (p<0.001), anxiety (p<0.001), negative cognitive emotion regulation (p<0.001), and increased positive cognitive emotion regulation (p<0.001) in the investigated aggressive students in the experimental group, compared to the controls.

Conclusion: Parent-child interaction-based play approach is an effective method to increase positive cognitive emotion regulation and to decrease negative cognitive emotion regulation among aggressive students. Therefore, it is suggested that the parents of aggressive students and counseling centers pay particular attention to the effectiveness of the cognitive-behavioral play approach.

Keywords: Anxiety, Parent-Child interaction play, Cognitive emotion regulation, Anger.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.171.0]

Copyright © 2016, MEJDS. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله مطالعات ناتوانی ۱۳۹۹؛ (۱۰):۱۱۶.

انتشار برخط مرداد ۱۳۹۹ مقاله پژوهشی اصیل

اثربخشی کاربرد بازی مبتنی‌بر تعامل والدــ کودک بر خشم، اضطراب و تنظیم شناختی هیجان در دانش‌آموزان پرخاشگر

هایده هجرانی دیارجان[۱]، *منصوره شهریاری احمدی[۱]، مهناز استکی[۱]، مژگان سپاه‌منصور[۱]، مهدیه صالحی[۱]

توضیحات نویسندگان

۱. گروه روان‌شناسی کودکان استثنایی و عمومی، دانشکدهٔ روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

***رایانامهٔ نویسندهٔ مسئول:** mansure_shahriari@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۷ دی ۱۳۹۸؛ **تاریخ پذیرش:** ۲۰ فروردین ۱۳۹۹

چکیده

زمینه و هدف: در عصر حاضر مشکل پرخاشگری معضلی اساسی در تربیت کودکان ایجاده کرده است و می‌توان احساس خشم و اضطراب و هیجان ناشی‌از برانگیختگی را به‌واسطهٔ بازی بر پایهٔ تعامل والدــ کودک بهبود بخشید. بازی ابزاری مناسب برای درمانگران کودک جهت مداخله در مشکلات رفتاری مثل پرخاشگری کودکان است؛ لذا هدف از پژوهش حاضر بررسی اثربخشی کاربرد بازی مبتنی‌بر تعامل والدــ کودک بر خشم و اضطراب و تنظیم شناختی هیجان در دانش‌آموزان پرخاشگر بود.

روش‌بررسی: روش پژوهش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون‌ــ پس‌آزمون با گروه گواه بود. نمونهٔ پژوهش ۳۲ دانش‌آموز پرخاشگر با دامنهٔ سنی ۹تا۱۳ سال در کلاس‌های سوم تا هفتم مدارس ابتدایی شهر تهران در سال تحصیلی۹۸ــ۱۳۹۷ بودند که به‌صورت هدف‌مند انتخاب شدند. از این تعداد ۱۶ نفر در گروه آزمایش و ۱۶ نفر در گروه گواه قرار گرفتند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامهٔ خشم (نلسون و فینچ، ۲۰۰۰) و پرسشنامهٔ اضطراب اسپنس (۱۹۹۸) و پرسشنامهٔ تنظیم شناختی هیجانی (گارنفسکی و همکاران، ۲۰۰۱) بود. جلسات بازی مبتنی‌بر تعامل والدــ کودک براساس راهنمای عملی بازی مبتنی‌بر تعامل والدــ کودک (براتون و لندرث، ۲۰۰۵) در گروه آزمایش طی دوازده جلسهٔ ۹۰دقیقه‌ای اجرا شد. برای تحلیل داده‌ها، نرم‌افزار SPSS نسخهٔ ۲۲ با سطح معناداری ۰/۰۵ و روش تحلیل کوواریانس چندمتغیره و تحلیل کوواریانس تک‌متغیره به‌کار رفت.

یافته‌ها: نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد، کاربرد روش بازی مبتنی‌بر تعامل والدــ کودک باعث کاهش خشم ($p<۰/۰۰۱$)، اضطراب ($p<۰/۰۰۱$)، تنظیم شناختی هیجانی منفی ($p<۰/۰۰۱$) و افزایش تنظیم شناختی هیجانی مثبت ($p<۰/۰۰۱$) دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش درمقایسه با گروه گواه شده است.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های این پژوهش رویکرد بازی مبتنی‌بر تعامل والدــ کودک روشی مؤثر در افزایش تنظیم شناختی هیجانی مثبت و نیز کاهش خشم و اضطراب و تنظیم شناختی هیجانی منفی در دانش‌آموزان پرخاشگر است.

کلیدواژه‌ها: اضطراب، بازی مبتنی‌بر تعامل والدــ کودک، تنظیم شناختی هیجان، خشم.

حق انتشار محفوظ است © ۱۳۹۵، مجله مطالعات ناتوانی. این یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت مجوز اختیارــ غیرتجاری ۴/۰ بین‌المللی (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa) منتشر شده است که به شما اجازه می‌دهد که مواد منتشر شده در این مقاله را با شرط ارجاع مناسب به نسخهٔ اصلی، به‌طور غیرتجاری نسخه‌برداری و توزیع کنید.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.171.0]

۱ مقدمه

امروزه مشکل پرخاشگری[1] معضلی اساسی در تربیت کودکان ایجاد کرده و راه کنترل آن بسیار دشوار شده است. پرخاشگری احساس درونی و هیجان ناشی‌از برانگیختگی است که غالباً به‌واسطهٔ واکنش افراد به رفتارهای نامناسب دیگران ایجاد می‌شود. کودکان در دنیای پیشرفتهٔ امروزی به موازات پیشرفت تکنولوژی دچار رفتار پرخاشگرانه شده‌اند. الگوپذیری نامناسب، ناکامی، اضطراب، تضاد درونی و رفتار خشونت‌آمیز همسالان در افزایش پرخاشگری کودکان نقش اساسی دارد (۱). باید گفت خشم[2] بر کاهش سلامت روان‌ـ‌جسم تأثیرگذار است. هیجان خشم به‌صورت بیرونی و درونی بوده و اگر کنترل نشود بسیار مضر است. برون‌ریزی خشم باعث تخریب کودکان می‌شود و درون‌ریزی آن صدمات جسمانی‌ـ‌روانی را برای کودکان به‌دنبال دارد. مطالعات نشان می‌دهد که در کودکان ابراز خشم افزایش یافته است (۲). خشم، هیجانی است که در درون انسان شکل می‌گیرد و می‌تواند منجربه پرخاشگری که کنشی بوده، شود. کودکان هیجان خشم را تجربه می‌کنند و خشم خود را به‌صورت رفتارهای پرخاشگرانه و خشونت‌آمیز و به‌شکل کنترل‌نشدنی نشان می‌دهند (۳). در دانش‌آموزان پرخاشگر اضطراب[3] شدیدی وجود دارد. دانش‌آموزان مضطرب نمی‌توانند دانش‌آموزان آرامی باشند. این دانش‌آموزان رفتارهایی پرخاشگرانه از خود بروز می‌دهند. اضطراب در این دانش‌آموزان احساس ناراحتی ایجاد می‌کند و دلهره به‌وجود می‌آورد. این دلهره و تشویش سبب می‌شود آنان در پاسخ به تحریکات داخلی‌ـ‌خارجی رفتار پرخاشگرانه بروز دهند (۴). در میان دانش‌آموزان پرخاشگر، اضطراب زندگی فردی‌ـ‌اجتماعی را مختل می‌سازد و باعث ناکامی و ایجاد رفتارهای پرخاشگرانه می‌شود. اگر در این دانش‌آموزان شدت اضطراب افزایش یابد، میزان رفتار پرخاشگرانه رشد پیدا می‌کند و سبب تشویش در دانش‌آموزان پرخاشگر می‌شود (۳). ازطرفی باید گفت در دانش‌آموزان پرخاشگر، بی‌نظمی هیجانی، سلامت عاطفی و عزت‌نفس آنان را تهدید می‌کند. تنظیم شناختی هیجانی[4] می‌تواند فرایندهای هیجان‌محور، فرایندهای پردازش شناختی، رشد عاطفی و شناختی را تحت‌تأثیر قرار دهد. اگر تنظیم شناختی هیجانی به‌شکل منفی باشد دانش‌آموزان مداوم گرفتار سرکوبگری و نشخوار فکری می‌شوند و نیز رفتار نامناسبی بروز می‌دهند. در افراد دارای پرخاشگری شدید، پذیرش و ارزیابی مثبت و برنامه‌ریزی در سطح ضعیفی است؛ درواقع تنظیم شناختی هیجانی مثبت کمی دارند که منجربه بروز رفتارهای پرخاشگرانه می‌شود (۵). اگر تنظیم شناختی هیجانی ضعیف باشد، ادراک حمایت و شکل‌گیری عزت‌نفس و کارآمدی شخص کاهش می‌یابد و عزت‌نفس کودک مخدوش می‌شود. این روند می‌تواند با افزایش هیجان مثبت و اجتناب از هیجان منفی بهبود یابد (۶). همچنین اگر هیجان منفی تنظیم نشود، بروز خشم و رفتار پرخاشگرانه افزایش می‌یابد. در تحقیقی میچل و همکاران نشان دادند که تنظیم منفی هیجانی با بروز پرخاشگری رابطهٔ مستقیمی دارد و بروز پرخاشگری با تنظیم مثبت هیجانی دارای رابطهٔ معکوسی است (۷).

می‌توان اظهار داشت بازی عنصری مهم در درمانگری است. رابطهٔ عاطفی میان والد‌ـ‌کودک در فرایند بازی امری تأثیرگذار محسوب می‌شود و با بازی، والدین می‌توانند در حد درمانگر شاید هم بیشتر برای فرزندانشان مؤثر باشند. براتون و لندرث معتقدند والدین می‌توانند جانشین خوبی به‌عنوان درمانگر برای کودکان خود باشند و با آموزش در قالب بازی به درک و پذیرشی مطلوب در ارتباط با رفتار کودک دست یابند (۸). ازطرفی تجارب کودکان خصوصاً در دوران دبستان در بازی آن‌ها خلاصه می‌شود (۹). اقدامات بازی والد‌ـ‌کودک رویکردی مؤثر است. تمرکز بازی مبتنی‌بر رابطهٔ والد‌ـ‌کودک بر بهبود رابطهٔ والد‌ـ‌کودک و خود درونی کودک و توانایی‌های بالقوهٔ او برای بلوغ اشاره دارد (۱۰). بازی تعامل والد‌ـ‌کودک براساس دو نظریهٔ دل‌بستگی و یادگیری اجتماعی پایه‌ریزی شده است. رویکرد تعاملی فرایندی با ساختار مبتنی‌بر نظریه است. این رویکرد مبتنی‌بر رویکرد لندرث بوده که می‌توان با این رویکرد، رفتار سازگارانه و مهارت اجتماعی را به دانش‌آموز آموخت (۱۱). باتوجه به آنچه بیان شد، پرخاشگری در کودکان رواج روزافزونی داشته است و والدین و مدارس برای کنترل این پرخاشگری که مشکلات متعددی را در زمینهٔ سازگاری به‌همراه دارد، نیازمند آموزش مناسب هستند. در دانش‌آموزان پرخاشگر به‌دلیل نبود کنترل مناسب خشم، اضطراب و تنظیم نامناسب هیجان و رفتارهای پرخاشگرانه رخ می‌دهد که موجب ناسازگاری می‌شود. باید بررسی شود که کاربرد بازی والد‌ـ‌کودک چگونه می‌تواند زیربنای خشم و اضطراب و تنظیم شناختی هیجان کودکان پرخاشگر را بهبود بخشد؛ بنابراین هدف این تحقیق بررسی اثربخشی بازی مبتنی‌بر تعامل والد‌ـ‌کودک بر کاهش خشم، اضطراب، تنظیم شناختی هیجانی منفی و افزایش تنظیم شناختی هیجانی مثبت در دانش‌آموزان پرخاشگر بود.

۲ روش‌بررسی

در این پژوهش از روش تحقیق نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون‌ـ‌پس‌آزمون با گروه گواه استفاده شد. جامعهٔ آماری در پژوهش حاضر تمامی دانش‌آموزان دختر و پسر پرخاشگر با دامنهٔ سنی ۹تا۱۳ سال در کلاس‌های سوم تا هفتم مدارس ابتدایی منطقهٔ پنج و شش شهر تهران در سال تحصیلی ۹۸ـ۱۳۹۷ بودند. نمونهٔ این پژوهش شامل ۳۲ نفر از دانش‌آموزان پرخاشگر بود که براساس جدول کرجسی و مورگان و به‌صورت نمونه‌گیری هدف‌مند و ازطریق غربالگری انتخاب شدند (۱۲). برای تعیین نمونه ملاک ورود به روند پژوهش تعیین گردید و دامنهٔ سنی ۹تا۱۳ سال (کلاس‌های سوم تا هفتم) در نظر گرفته شد. ملاک تشخیص پرخاشگری، پرسشنامهٔ پرخاشگری رابطه‌ای‌ـ‌آشکار شهیم بود (۱۳). از دو منطقهٔ پنج و شش و از بین دو مدرسهٔ ابتدایی دخترانهٔ دارالعلم و بنت‌الهدی و یک‌مدرسهٔ ابتدایی پسرانهٔ خاتم، پس از اعلام فراخوان شرکت در آزمون تشخیصی پرسشنامهٔ پرخاشگری رابطه‌ای‌ـ‌آشکار، ۳۵۱ دانش‌آموز در فراخوان شرکت کردند. از این تعداد ۶۳ دانش‌آموز نمرات بیشتر از نقطهٔ برش (نمرهٔ ۴۸ و بیشتر) را از پرسشنامه به‌دست آوردند و از این تعداد ۳۵ دانش‌آموز ملاک ورود

[1]. Aggressive
[2]. Anger
[3]. Anxiety
[4]. Cognitive regulation of emotion

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.171.0]

را به روند تحقیق داشتند. ۳۵ دانش‌آموز مبتلا به پرخاشگری به‌صورت هدف‌مند انتخاب شدند. سه نفر از آزمودنی‌ها در همان جلسات ابتدایی از ادامهٔ حضور در جلسات امتناع کردند و روند جلسات مداخله با ۳۲ آزمودنی دنبال شد. از این تعداد ۱۶ نفر در گروه گواه و ۱۶ نفر در گروه آزمایش به‌طور تصادفی قرار گرفتند. قبل از شروع مداخله پرسشنامه‌ها توسط هر دو گروه آزمایش و گواه تکمیل شد. سپس مداخلهٔ بازی مبتنی‌بر تعامل والدــ کودک براساس راهنمای عملی بازی مبتنی‌بر تعامل والدــ کودک براتون و لندرث در گروه آزمایش طی دوازده جلسهٔ ۹۰دقیقه‌ای به‌صورت هفته‌ای دو جلسه انجام پذیرفت (۸). پس از اتمام مداخله مجدداً پرسشنامه‌های پژوهش توسط هر دو گروه آزمایش و گواه تکمیل شد. لازم به ذکر است در ابتدای پژوهش از والدین شرکت‌کنندگان رضایت‌نامهٔ کتبی دریافت شد و والدین از موضوع و روش اجرای تحقیق مطلع شدند؛ همچنین به آن‌ها اطمینان داده شد که از اطلاعات خصوصی و شخصی‌شان محافظت می‌شود و مشارکت در تحقیق هیچ‌گونه بار مالی برای شرکت‌کنندگان ندارد. ابزار پژوهش شامل پرسشنامهٔ خشم کودکان[1] و پرسشنامهٔ اضطراب اسپنس[2] و پرسشنامهٔ تنظیم شناختی هیجانی[3] بود.

ــ پرسشنامهٔ خشم کودکان نلسون: پرسشنامهٔ خشم کودکان ابزار خودگزارشی است که توسط نلسون و فینچ در سال ۲۰۰۰ ساخته شد (۱۴). این پرسشنامه شامل ۳۹ عبارت و چهار زیرمقیاس ناکامی، پرخاشگری بدنی، روابط با همسالان و روابط با مراجعهٔ قدرت است که در قالب چهار گزینهٔ توجه نمی‌کنم=۱، مرا آزار می‌دهد=۲، واقعاً ناراحت می‌شوم=۳ و عصبانی می‌شوم=۴ نمره‌گذاری می‌شود. حداقل نمره ۳۹ و حداکثر نمره ۱۵۶ است (۱۵). روایی و پایایی پرسشنامه در مطالعات داخل و خارج کشور به تأیید رسیده است. این پرسشنامه در خارج از کشور توسط نلسون و همکاران بر ۱۶۰۴ نفر از دانش‌آموزان اجرا شد و نتایج ضریب بازآزمایی ۰/۶۵تا۰/۷۵ و ثبات درونی ۰/۸۵تا۰/۸۶ و روایی چهار زیرمقیاس ۰/۹۳ بود. همچنین روایی چهار زیرمقیاس ۰/۹۳ گزارش شد (۱۴). در ایران نیز روایی پرسشنامه توسط مسلمان ازطریق همبستگی با پرسشنامهٔ پرخاشگری برابر ۰/۴۴ به‌دست آمد که نشان از روایی مطلوب پرسشنامه دارد (۱۶).

جدول ۱. بازی مبتنی‌بر رابطهٔ والدــ کودک براتون و لندرث (۸)

جلسات	برنامهٔ مداخله	هدف	زمان
اول	ابراز احساس ازطریق عکس، پانتومیم.	شناسایی احساسات	۹۰ دقیقه
دوم	آموزش تن‌آرامی عضلانی به مادر و شناسایی احساسات (عکس، پانتومیم).	آرام‌سازی محیط بازی کودک	۹۰ دقیقه
سوم	بازی قصهٔ کلمهٔ احساسی.	بازنگری احساس و برانگیختگی	۹۰ دقیقه
چهارم	بازی کلمهٔ قصهٔ مرا حدس بزن.	بروز خلاقیت	۹۰ دقیقه
پنجم	تمرین نقاشی‌دادن، بازخورد به مادر (کشف احساسات کودک راجع به مسائل مختلف).	شناسایی و آگاه‌سازی مادر از احساسات کودک	۹۰ دقیقه
ششم	بازی حباب هیجان با مادر.	کنترل هیجان	۹۰ دقیقه
هفتم	تصویرسازی دشت سبز.	بروز هیجان و کنترل خشم	۹۰ دقیقه
هشتم	بازی کودک‌محور با عروسک‌های دستی خانواده و حیوانات.	کنترل اضطراب	۹۰ دقیقه
نهم	بازی کودک با وسایل پزشکی با کمک مادران و رهاسازی خشم، آموزش راه‌های کنارآمدن یا حل دغدغه، کنترل‌پذیربودن یا نبودن آن‌ها، افزایش مهارت مادر در کنترل پرخاشگری.	کنترل خشم و متعادل‌سازی سطح اضطراب	۹۰ دقیقه
دهم	رهاسازی خشم، آموزش راه‌های کنارآمدن رهاسازی خشم، آموزش راه‌های کنارآمدن، حل دغدغه‌ها، کنترل‌پذیربودن یا نبودن آن‌ها، افزایش مهارت مادر در کنترل پرخاشگری.	مدیریت خشم کودک و کنترل استرس‌ها	۹۰ دقیقه
یازدهم	دادن بازخورد به مادر در تخلیهٔ هیجانی، آشکارسازی دغدغه‌های کودک در رابطه با خشم، افزایش هیجان مثبت، صحبت راجع به آرزوها، فانتزی‌های دوست‌داشتنی کودکــ مادر، ارتقای آگاهی دربارهٔ ارتباطات بازی با بچه‌ها.	تنظیم هیجانی کودک	۹۰ دقیقه
دوازدهم	مرور جلسات، نظرخواهی، ارائهٔ پیشنهادهای نهایی به مادران.	جمع‌بندی جلسات	۹۰ دقیقه

ــ پرسشنامهٔ اضطراب اسپنس: این پرسشنامه در سال ۱۹۹۸ توسط اسپنس برای ارزیابی اضطراب کودکان ۸تا۱۵ ساله براساس طبقه‌بندی تشخیصی و آماری DSM-IV در استرالیا طراحی شد. پرسشنامه اسپنس دارای دو نسخهٔ کودک (۴۵ ماده) و والد (۳۸ ماده) است.

[1]. Children's Inventory of Anger
[2]. Spence Children's Anxiety Scale
[3]. Cognitive Emotion Regulation Questionnaire

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.171.0]

نمره‌گذاری براساس مقیاس چهاردرجه‌ای لیکرتی هرگز (۰)، گاهی اوقات (۱)، اغلب (۲) و همیشه (۳) تنظیم شده است و شش مقیاس اضطراب جدایی، اضطراب اجتماعی، وسواس فکری‌ـ عملی، پنیک‌ـ بازارهراسی، اضطراب فراگیر و ترس از صدمات جسمانی را می‌سنجد (۱۷). اسپنس پایایی مقیاس را برای اضطراب عمومی برابر با ۰/۹۲ و برای خرده‌مقیاس‌ها ۰/۶۰تا۰/۸۲ گزارش کرد (۱۷). روایی این پرسشنامه در تحقیق ضرغامی و همکاران ازطریق همبستگی ۰/۴۴ به‌دست آمد. همچنین پایایی پرسشنامه ازطریق آلفای کرونباخ ۰/۸۴ گزارش شد (۱۸).

ـ پرسشنامهٔ تنظیم شناختی هیجان: مقیاس تنظیم شناختی هیجان توسط گارنفسکی و همکاران در سال ۲۰۰۱ در کشور هلند تهیه شد و دو نسخهٔ انگلیسی و هلندی دارد. این پرسشنامه به‌منظور استفاده در جامعهٔ کودکان تدوین شده است (۱۹). ۳۶ ماده دارد و از دو خرده‌مقیاس تنظیم شناختی هیجانی مثبت و تنظیم شناختی هیجانی منفی تشکیل شده است. دامنهٔ نمرات مقیاس از یک (تقریباً هرگز) تا پنج (تقریباً همیشه) است. مقیاس تنظیم شناختی هیجانی منفی ۱۶ ماده و تنظیم شناختی هیجانی مثبت ۲۰ ماده را در بر می‌گیرد (۱۹). در بررسی مشخصات روان‌سنجی آزمون، گارنفسکی و همکاران پایایی آزمون را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به‌ترتیب برابر ۹۱درصد و ۸۷درصد و ۹۳درصد به‌دست آوردند و روایی آن باتوجه به تحلیل عاملی معتبر است (۱۹). مشهدی و همکاران روایی را ازطریق ضرایب همبستگی با فرم بزرگسالان برای زیرمقیاس‌ها از ۰/۴۲ و ۰/۵۷ و برای کل ۰/۴۹ گزارش کردند. همچنین پایایی پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌ها ۰/۷۶ و ۰/۹۲ و برای کل پرسشنامه ۰/۸۶ به‌دست آوردند (۲۰).

بازی مبتنی‌بر تعامل والدـ کودک: این مداخله روشی بوده که تمرکز بازی آن بر بهبود تعامل والدـ کودک است. عمدهٔ اهداف برای والدین شامل درک و پذیرش جهان عاطفی کودک، کسب نگرشی واقع‌بینانه دربارهٔ خود و کودک، افزایش بینش، آگاهی والدین از خود در ارتباط با کودک، یادگیری‌های بازی کودک‌محور، چگونگی ایجاد جو غیرقضاوتی، پذیرنده و همراه درک متقابل برای کودک و نهایتاً کمک به والدین جهت لذت‌بردن از ایفای نقش والدینی است. چارچوب نظری این بازی بر پایهٔ نظریهٔ روان‌تحلیلگری لندرث ازجمله رویکردهای تعاملی و نیز زیرمجموعهٔ روش‌های فرزندپروری است (۸). شرح جلسات بازی مبتنی‌بر تعامل والدـ کودک در جدول ۱ مشاهده می‌شود.

جهت تجزیه‌وتحلیل داده‌ها، نرم‌افزار کامپیوتری SPSS نسخهٔ ۲۲ با سطح معناداری ۰/۰۵ به‌کار رفت. همچنین از شاخص‌های آمار توصیفی میانگین، انحراف معیار، آزمون کولموگروف‌اسمیرنوف، آزمون بررسی پیش‌فرض همگنی شیب‌های رگرسیون، آزمون لوین، تحلیل کوواریانس چندمتغیره و تحلیل کوواریانس تک‌متغیره استفاده شد.

۳ یافته‌ها

در پژوهش حاضر دانش‌آموزان دختر و پسر هرکدام ۵۰درصد از نمونهٔ تحقیق را تشکیل دادند. در گروه آزمایش ۱۶ دانش‌آموز دختر و پسر و در گروه گواه نیز ۱۶ دانش‌آموز دختر و پسر شرکت داشتند.

همان‌گونه که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود میانگین متغیرهای خشم، اضطراب، تنظیم شناختی هیجانی مثبت و تنظیم شناختی هیجانی منفی در پس‌آزمون درمقایسه با پیش‌آزمون در گروه آزمایش کاهش درخورتوجهی دارد؛ درحالی‌که در گروه گواه تغییر چشمگیری دیده نمی‌شود. برای بررسی معناداری این تفاوت‌ها، آزمون آنالیز کوواریانس به‌کار رفت. پیش از انجام این آزمون ابتدا پیش‌فرض‌های آن بررسی شد. پیش‌فرض نرمال‌بودن توزیع نمرات در پیش‌آزمون و در هر دو گروه توسط آزمون کولموگروف‌اسمیرنوف کنترل و تأیید گردید ($p>۰/۰۵$). در آزمون بررسی پیش‌فرض همگنی شیب‌های رگرسیون مشخص شد، مقدار تعامل برای متغیرهای خشم، اضطراب، تنظیم شناختی هیجانی مثبت و تنظیم شناختی هیجانی منفی در این تحقیق معنادار نبود ($p>۰/۰۵$) و مفروضهٔ همگنی رگرسیون برقرار است.

بررسی آزمون لوین در متغیرهای خشم، اضطراب، تنظیم شناختی هیجانی مثبت و تنظیم شناختی هیجانی منفی معنادار نبود ($p>۰/۰۵$)؛ بنابراین واریانس گروه آزمایش و گروه گواه در متغیرهای خشم، اضطراب، تنظیم شناختی هیجانی مثبت و تنظیم شناختی هیجانی منفی معنادار نبود؛ درنتیجه فرض ناهمگنی واریانس‌ها رد شد.

نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیره بر میانگین نمرات پس‌آزمون خشم، اضطراب، تنظیم شناختی هیجانی مثبت و تنظیم شناختی هیجانی منفی گروه‌های آزمایش و گواه با کنترل پیش‌آزمون بیانگر آن بود که بین دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش و گواه از لحاظ متغیرهای خشم، اضطراب، تنظیم شناختی هیجانی مثبت و منفی تفاوت معناداری وجود دارد ($F=۹۳/۰۱$، $p<۰/۰۰۱$). میزان تأثیر برابر با ۰/۹۴ بود. به عبارت دیگر، ۹۴درصد تفاوت‌های فردی در نمرات پس‌آزمون خشم، اضطراب، تنظیم شناختی هیجانی مثبت و منفی دانش‌آموزان پرخاشگر مربوط به تأثیر کاربرد روش بازی مبتنی‌بر تعامل والدـ کودک بوده است. همچنین از تحلیل کوواریانس تک‌متغیره برای مقایسهٔ نمرات پس‌آزمون خشم، اضطراب، تنظیم شناخت هیجانی مثبت و تنظیم شناخت هیجانی منفی بین گروه‌های آزمایش و گواه استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ آورده شده است.

همان‌گونه که در جدول ۲مشخص است، با کنترل پیش‌آزمون بین دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ خشم تفاوت معناداری وجود دارد ($p<۰/۰۰۱$). به عبارت دیگر، کاربرد روش بازی مبتنی‌بر تعامل والدـ کودک باتوجه به میانگین خشم دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش درمقایسه با میانگین گروه گواه، موجب کاهش میزان خشم دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش شده است. میزان تأثیر برابر با ۰/۹۰۲ به‌دست آمد؛ به عبارت دیگر ۹۰/۲درصد تفاوت‌های فردی در نمرات پس‌آزمون خشم دانش‌آموزان پرخاشگر مربوط به تأثیر کاربرد روش بازی مبتنی‌بر تعامل والدـ کودک است.

همچنین، با کنترل پیش‌آزمون بین دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ اضطراب تفاوت معناداری مشاهده شد ($p<۰/۰۰۱$). به عبارت دیگر، کاربرد روش بازی مبتنی‌بر تعامل والدـ کودک باتوجه به میانگین اضطراب دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش درمقایسه با میانگین گروه گواه، سبب کاهش میزان اضطراب

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.171.0]

دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش شده است. میزان تأثیر برابر با ۰/۸۴۴ به‌دست آمد؛ به عبارت دیگر ۸۴/۴درصد تفاوت‌های فردی در نمرات پس‌آزمون اضطراب دانش‌آموزان پرخاشگر مربوط به تأثیر کاربرد روش بازی مبتنی‌بر تعامل والد_ کودک است.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی متغیرهای خشم، اضطراب، تنظیم شناختی هیجانی مثبت و تنظیم شناختی هیجانی منفی در مرحلهٔ پیش‌آزمون و پس‌آزمون به‌تفکیک دو گروه آزمایش و گواه به‌همراه نتایج آنالیز کوواریانس

متغیر	گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		مقایسهٔ پس‌آزمون			
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	مقدار p	مجذور اتا	توان آزمون
خشم	آزمایش	۱۴۴/۳۱۴	۹/۲۴۷	۴۶/۱۸۳	۶/۴۱۳	۲۳۸/۵۰۳	<۰/۰۰۱	۰/۹۰۲	۱
	گواه	۱۲۵/۴۳۸	۱۲/۴۲۶	۱۲۷/۸۸۷	۱۴/۷۶۴				
اضطراب	آزمایش	۱۲۰/۸۱۵	۱۰/۸۱۱	۴۱/۵۶۳	۱۵/۰۲۰	۱۴۳/۹۸۱	<۰/۰۰۱	۰/۸۴۴	۱
	گواه	۱۱۵/۴۴۰	۹/۴۳۱	۱۱۶/۹۴۲	۱۳/۱۶۱				
تنظیم شناختی هیجانی مثبت	آزمایش	۳۳/۶۸۱	۷/۱۰۱	۷۴/۸۱۵	۶/۸۰۱	۱۳۸/۲۴۴	<۰/۰۰۱	۰/۸۳۵	۱
	گواه	۳۶/۹۳۳	۷/۳۷۲	۳۵/۵۰۶	۶/۵۵۴				
تنظیم شناختی هیجانی منفی	آزمایش	۶۲/۶۸۰	۷/۵۶۶	۲۹/۵۶۱	۷/۵۷۸	۵۳/۲۰۱	<۰/۰۰۱	۰/۶۷۵	۱
	گواه	۶۱/۳۱۴	۷/۲۹۰	۵۸/۵۰۷	۷/۳۵۴				

علاوه‌براین، با کنترل پیش‌آزمون بین دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ تنظیم شناختی هیجانی مثبت تفاوت معناداری وجود داشت (p<۰/۰۰۱). به عبارت دیگر، کاربرد روش بازی مبتنی‌بر تعامل والد_ کودک باتوجه به میانگین تنظیم شناختی هیجانی مثبت دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش درمقایسه با میانگین گروه گواه، موجب افزایش میزان تنظیم شناختی هیجانی مثبت دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش شده است. میزان تأثیر برابر با ۰/۸۳۵ بود؛ به عبارت دیگر ۸۳/۵درصد تفاوت‌های فردی در نمرات پس‌آزمون تنظیم شناختی هیجانی مثبت دانش‌آموزان پرخاشگر مربوط به تأثیر کاربرد روش بازی مبتنی‌بر تعامل والد_ کودک است.

درنهایت، با کنترل پیش‌آزمون بین دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ تنظیم شناختی هیجانی منفی تفاوت معناداری دیده شد (p<۰/۰۰۱). به عبارت دیگر، کاربرد روش بازی مبتنی‌بر تعامل والد_ کودک باتوجه به میانگین تنظیم شناختی هیجانی منفی دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش درمقایسه با میانگین گروه گواه، موجب کاهش میزان تنظیم شناختی هیجانی مثبت دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش شد. میزان تأثیر برابر با ۰/۶۷۵ بود؛ به عبارت دیگر ۶۷/۵درصد تفاوت‌های فردی در نمرات پس‌آزمون تنظیم شناختی هیجانی منفی دانش‌آموزان پرخاشگر مربوط به تأثیر کاربرد روش بازی مبتنی‌بر تعامل والد_ کودک است.

۴ بحث

هدف این تحقیق بررسی اثربخشی کاربرد روش بازی مبتنی‌بر تعامل والد_ کودک بر خشم و اضطراب و تنظیم شناختی هیجانی در دانش‌آموزان پرخاشگر بود. در پژوهش حاضر تعیین شد، کاربرد روش بازی مبتنی‌بر تعامل والد_ کودک باتوجه به میانگین خشم، اضطراب، تنظیم شناختی هیجانی منفی و تنظیم شناختی هیجانی مثبت دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش درمقایسه با میانگین گروه گواه، موجب کاهش میزان خشم، اضطراب، تنظیم شناختی هیجانی منفی و افزایش تنظیم شناختی هیجانی مثبت دانش‌آموزان پرخاشگر در گروه آزمایش شد. نتیجهٔ به‌دست‌آمده با مطالعات پاردون و مار که نتیجه گرفتند بازی والد_ کودک بر کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان پرخاشگر تأثیر معناداری دارد (۱۰) و باگیرلی و پارکر که نشان دادند بازی والد_ کودک بر کاهش اضطراب مؤثر است (۱۱) و روزنبرگ و همکاران که دریافتند بازی والد_ کودک بر میزان راهبرد تنظیم شناختی هیجانی مثبت و منفی تأثیر دارد و این بازی سبب افزایش تنظیم شناختی مثبت هیجانی و کاهش تنظیم شناختی منفی هیجانی کودکان شده (۲۱)، همسوست. در تبیین این یافته باید گفت، خشم در دانش‌آموزان پرخاشگر، مشکل حادی است که ترکیبی از معضلات ازقبیل مشکل در حفظ کنترل خشم و مشکلات رفتاری بوده و نیاز به کنترل دارد. کاربرد روش تعامل والد_ کودک براساس دو نظریهٔ دل‌بستگی و یادگیری اجتماعی پایه‌ریزی شده و با ترکیب دو رویکرد و باتوجه به حضور والد در فرایند بازی سبب شده است عزت‌نفس کم و مشکل در ارتباط‌برقرارکردن و عملکرد رفتاری ضعیف در این دانش‌آموزان که از عوامل بروز خشم بوده، کاهش یابد. اریکسون و سالی تعامل والد_ کودک را موجبات محیطی اساساً ایمن و رضایت‌آمیز تلقی می‌کنند که در این محیط والد پاسخ‌گویی مطمئن و امن برای نیازها است (۱۵). بدین‌ترتیب این مدل بازی با تکیه بر تعامل والد_ کودک و درگیرکردن والد در بازی سبب تحول روانی_ اجتماعی و تعامل بهینه با والد می‌شود؛ همچنین بروز حالت هیجانی خشم را که موجب بروز پرخاشگری شده، کنترل می‌کند (۸). بازی مبتنی‌بر تعامل والد_ کودک برنامه‌ای آموزشی خوب برای والدین است؛ ازآنجاکه هدفش افزایش گرمی و پذیرش و تعاملات مثبت والدین با فرزند خود بوده، موجب می‌شود دل‌بستگی ایمن بین والدین و دانش‌آموزان پرخاشگر بهبود یابد. این گرمی و دل‌بستگی بهبودیافته در جلسات بازی تعامل والد_ کودک به احساس امنیت در دانش‌آموزان پرخاشگر کمک کرد و در دانش‌آموزان پرخاشگر میزان خشم کاهش یافت (۸). باتوجه به رویکرد

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.171.0]

یادگیری اجتماعی و دل‌بستگی، بازی مبتنی‌بر تعامل والد_کودک موجب شد والد با دانش‌آموزان پرخاشگر با گرمی و توجه و به‌شیوهٔ پاسخ‌گرانه تعامل داشته باشد؛ همچنین در ارتباط با آن‌ها به‌عنوان سرمشق‌های رفتار اجتماعی عمل کند تا آنان بتوانند نقش‌های اجتماعی را از این طریق فرا گیرند و درنهایت به خودنظم‌دهی برسند (۱۱)؛ لذا والد یاد گرفت مهارت‌های سازگاری را هنگام بازی با فرزندنش به‌کار برد و سطح اضطراب فرزندش را با این شکل از بازی کاهش دهد. بازی تعامل والد_کودک، پاسخ‌های والدین را به اضطراب که باعث حفظ و نگهداری اختلالات اضطرابی در دانش‌آموزان شده، با ایجاد الگوهای تقویت مثبت در قالب بازی بهبود بخشید (۱۰). باید اشاره کرد در بازی والد_کودک تکنیک بازی حباب هیجان با والد، به دانش‌آموزان اجازه داد تا تعاملات هیجانی خود را هدایت کنند. این بازی احساس کنترل هیجان را در آنان پرورش داد و موجب رشد روان‌شناختی تنظیم هیجان مثبت شد. در بازی والد_کودک ارتباط عاطفی بین فرزند_والد کلید اثربخشی این روش است؛ بنابراین در بازی تعامل والد_کودک تعامل مناسب والد_کودک سبب می‌شود، والد به پایگاه امنی جهت تجربهٔ دنیای بیرونی برای دانش‌آموزان پرخاشگر تبدیل شود. نبود کنترل متغیرهای اجتماعی_خانوادگی و اقتصادی مهم و مؤثر بر متغیرهای تحقیق از محدودیت‌های پژوهش بود. در انتها پیشنهاد می‌شود، والدین دانش‌آموزان پرخاشگر و مراکز مشاوره، توجه ویژه‌ای به اثربخشی رویکرد بازی شناختی_رفتاری داشته باشند؛ همچنین مراکز تخصصی بازی از بازی مبتنی‌بر تعامل والد_کودک به‌دلیل اثربخشی در کاهش اضطراب، خشم، تنظیم شناختی هیجانی منفی و افزایش تنظیم شناختی هیجانی مثبت استفادهٔ بهینه‌تری نمایند.

۵ نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های این پژوهش، بازی والد_کودک با ایجاد و تقویت دل‌بستگی ایمن، بهبود رابطهٔ اجتماعی مناسب، تغییر کیفیت روابط والد_کودک و رشد هیجانی_کارکردی در قالب بازی با والد، روشی مؤثر در کاهش خشم، اضطراب، تنظیم شناختی هیجانی منفی و بهبود تنظیم شناختی هیجانی مثبت در دانش‌آموزان پرخاشگر است؛ بنابراین باید اظهار داشت رویکرد بازی والد_کودک مداخلهٔ موثری در کاهش مشکلات شناختی و هیجانی دانش‌آموزان پرخاشگر است.

۶ تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله نویسندگان مقاله از همه مسئولان و والدین دانش‌آموزان مدارس مناطق ۵ و ۶ شهر تهران که در انجام این پژوهش کمال همکاری را داشتند، تقدیر و تشکر می‌نمایند.

۷ بیانیه

این مقاله از رساله دکتری تخصصی رشته روان‌شناسی با کد ۱۰۱۲۰۷۰۷۹۷۲۲۰۲۶ استخراج شده است.

References

1. Snyder J, Stoolmiller M, Wilson M, Yamamoto M. Child anger regulation, parental responses to children's anger displays, and early child antisocial behavior. Social Development. 2003;12(3):335–60. doi: 10.1111/1467-9507.00237
2. Staicu M-L, Cuţov M. Anger and health risk behaviors. J Med Life. 2010;3(4):372–5. doi: 10.1037/a0029788
3. Ghodousi N, Sajedi F, Mirzaie H, Rezasoltani P. The effectiveness of cognitive-behavioral play therapy on externalizing behavior problems among street and working children. Iranian Rehabilitation Journal. 2017;15(4):359–66. [Persian] doi:10.29252/nrip.irj.15.4.359
4. Steffgen G. Anger Management - Evaluation of a cognitive-behavioral training program for table tennis players. J Hum Kinet. 2017;55:65–73. doi: 10.1515/hukin-2017-0006
5. Davenport BR, Bourgeois NM. Play, aggression, the preschool child, and the family: A review of literature to guide empirically informed play therapy with aggressive preschool children. International Journal of Play Therapy. 2008;17(1):2–23. doi: 10.1037/1555-6824.17.1.2
6. Vandekerckhove M, Scheve C, Ismer S, Jung S, Kronasts S. Regulating Emotions: Culture, Social Necessity, and Biological Inheritance. Malden, MA: Blackwell Pub; 2016.
7. Mischel W, Ayduk O. Willpower in a Cognitive-Affective Processing System: The Dynamics of Delay of Gratification. In: Vohs KD, Baumeister RF. Handbook of Self-Regulation: Research, Theory, and Applications. New York: The Guilford Press; 2004. pp: 99–129.
8. Bratton S, Landreth GL. Child-Parent Relationship Therapy (CPRT) Treatment Manual: An Evidence-Based 10-Session Filial Therapy Model. Routledge; 2005.
9. Knell SM. Cognitive-behavioral play therapy. J Clin Child Psychol. 1998;27(1):28–33. doi: 10.1207/s15374424jccp2701_3
10. Blanco PJ, Muro JH, Holliman R, Stickley VK, Carter K. Effect of child-centered play therapy on performance anxiety and academic achievement. Journal of Child and Adolescent Counseling. 2015;1(2) 66-80. doi: 10.1080/23727810.2015.1079117
11. Kristie KO, Bratton SC. The efficacy of child parent relationship therapy for adoptive families: A replication study. Journal of Counseling & Development. 2018;96(2):155-166. doi: 10.1002/jcad.12189

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.171.0]

12. Krejcie RV. Morgan DW. Determining sample size for research activities. Educational and Psychological Measurement. 1970; 30(3): 607–610. doi: 10.1177/001316447003000308
13. Shahim S. Relational Aggression in Preschool Children. Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology. 2007;13(3):264–71. [Persian] http://ijpcp.iums.ac.ir/article-1-272-en.pdf
14. Nelson WM, Finch AJ. Children's Inventory of Anger: ChIA Manual. Western Psychological Services; 2000.
15. Ericsson S, Sally B. Children's ongoing and relational negotiation of informed assent in child–researcher, child–child and child–parent interaction. Childhood. 2017; 24(3): 300–315. doi:10.1177/0907568216688246
16. Mosalman A. The relationship between anger severity and emotional distress with aggression among aggressive children [Thesis for M.Sc]. [Ahwaz, Iran]: Islamic Azad University, Ahwaz Branch; 2013. [Persian]
17. Spence SH. A measure of anxiety symptoms among children, Behaviour Research and Therapy. 1998; 36(5): 545-566. doi: 10.1016/S0005-7967(98)00034-5
18. Zarghami F, Heidari Nasab L, Shaeiri MR, Shahrivar Z. A study in the impact of Coping-Cat-based Cognitive-Behavior Therapy (CBT) on reduced anxiety in the children aged 8 to 10 with anxiety disorder. Clinical Psychology Studies. 2015;5(19):183–202. [Persian] http://jcps.atu.ac.ir/article_1514_ae018037ab48e5b39bab379c49841eea.pdf
19. Garnefski N, Kraaij V, Spinhoven Ph. Negative life events, cognitive emotion regulation and emotional problems. Personality and Individual Differences. 2001;30:1311–27. doi: 10.1016/S0191-8869(00)00113-6
20. Mashhadi A, Hasani J, Mirdoraghi F. Factor structure, reliability and validity of Persian version of the Cognitive Emotion Regulation Questionnaire-children form (CERQ-K-P). Journal of Fundamentals of Mental Health. 2012;14(55):59–246. [Persian] doi: 10.22038/jfmh.2013.942
21. Rothenberg WA, Weinstein A, Dandes EA, Jent JF. Improving Child Emotion Regulation: Effects of Parent–Child Interaction-therapy and Emotion Socialization Strategies. J Child Fam Stud. 2019;28(3):720–31. doi: 10.1007/s10826-018-1302-2

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.171.0]